

محله گل‌ها

گربه سیاه میویی
کرد و گفت: «اگر آقای
پاکبان نباشه می‌تونیم
کلی غذا داشته باشیم»

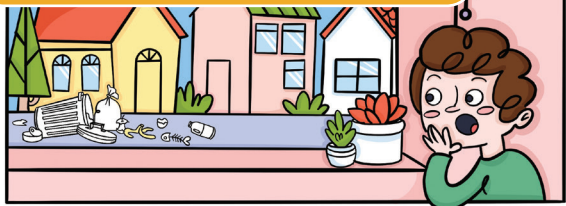


گربه خاکستری گفت:
«باید از دست پاکبان
محله خلاص شیم»



پاکبان
محله گلها
مردمهربانی
بود و همه
اهالی محله
دوستش
داشتند

آن روز صبح نوید از پنجره منظره وحشتناکی دید



مادر نوید گفت: «ای وای آقای پاکبان
برای تمیزی محل زحمت کشیده»



بچه های محل با اجازه بزرگ ترها ماسک و دستکش زدند تا محله را تمیز کنند. نوید
هم یک ظرف غذا برای گربه ها برد تا دیگر زباله ها را برای پیدا کردن غذا نوی کوچه نریزند